

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۳۵، مکاشفه

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۳۵، کتاب مکاشفه است.

بسیار خوب، آخرین کلاس عهد جدید شما.

لطفا تشویق نکنید. همانطور که قبلاً گفتم، ما نیاز داریم، من باید شما را در یک ربع بیرون بگذارم زیرا من یک هواپیما به کلرادو دارم تا بگیرم. بنابراین، در حدود یک ربع بعد، آنچه را که می خواهم انجام دهم این است که فقط در مورد دو یا سه متن به طور خلاصه در مورد کتاب مکاشفه صحبت کنم.

اگر علاقه مند هستید، اگر این کافی نیست، من یک ماه مه ارائه می دهم، این از نظر فنی آخرین کلاسی نیست که من تدریس می کنم. من یک کلاس ترم ماه مه در مورد تفسیر کتاب مکاشفه ارائه می دهم. بنابراین، اگر علاقه مند هستید.

اما من فقط می خواهم به طور خلاصه مرور کنم که در مورد آنچه مکاشفه انجام می دهد و در مورد چه چیزی صحبت کردیم و سپس با نگاه کردن به تعداد انگشت شماری از متن آن را نشان دهم. قبل از اینکه این کار را انجام دهیم، اطلاعاتی دیگر دوشنبه در این کلاس است، همان زمان، همان مکان، امتحان شماره چهار شماست. و من اینجا نخواهم بود، اما یکی از TA های سابق من در این مدت امتحان را زیر نظر خواهد داشت و سپس شما تا فینال مرخصی خواهید داشت.

Yep. فینال ساعت چند است؟ سوال خوبی است. چهارشنبه است.

فکر می کنم چهارشنبه است. چهارشنبه، 2.30 تا 4.30، باشه؟ چه چیز؟ چهارشنبه است. چهارشنبه هفته امتحانات نهایی است.

بنابراین، ممکن است برنامه خود را بررسی کنید تا مطمئن شوید. بسیار خوب. بیا بید با دعا شروع کنیم و سپس چند دقیقه به کتاب مکاشفه نگاه می کنیم.

ای پدر، متشکرم که ما را به این نقطه رساندی تا ما را حفظ کنی و به ما قدرت و انرژی دادی. و ما دعا می کنیم که شما به حفظ ما ادامه دهید زیرا ما با پروژه های نهایی و نهایی روبرو می شویم و شروع به جمع بندی همه چیز می کنیم. خداوند، ما از تو کمک و توانمندی برای انجام این کار می خواهیم. و خداوند، من اکنون دعا می کنم که همانطور که ما در مورد کتاب مکاشفه فکر می کنیم، یاد بگیریم که معقولانه در مورد آن فکر کنیم و بفهمیم که چگونه امروز به عنوان کلام معتبر شما برای مردم شما عمل می کند. به نام عیسی، ما دعا می کنیم. آمین.

راست. من به شما پیشنهاد کردم که کتاب مکاشفه در درجه اول برای خطاب به مسیحیانی نوشته شده است که عمدتاً در غرب آسیای صغیر یا ترکیه امروزی زندگی می کردند. مشکل اصلی که آنها با آن روبرو بودند، آزار و اذیت نبود، اگرچه برخی از آنها مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند.

یک نفر به خاطر شهادت او به عیسی مسیح جان خود را از دست داده بود. اما مشکل بزرگتری که کلیسا با آن مواجه بود، آزار و اذیت نبود، بلکه سازگاری بیشتر با امپراتوری روم بود. به این معنا که ما به طور خلاصه به سیستم پرستش امپراتور که در بسیاری از شهرهای غرب آسیای صغیر نفوذ می کرد، نگاه کردیم.

بسیاری از آنها معابدی را به افتخار امپراتوران ساخته بودند. و بیشتر فشارها در سطح محلی بیشتر می شد. به یاد داشته باشید که وقتی به آزار و اذیت و رنج در قرن اول فکر می کنیم، گفتیم لزوماً نباید به این فکر کنیم که خود امپراتور یک انتقام رسمی از مسیحیان را تأیید می کند تا آنها را به خیابان بکشاند و سر آنها را ببرد و چیزهایی از این قبیل، اگرچه بعداً و گاهی اوقات این اتفاق افتاد.

اما بیشتر آزار و اذیت و رنج نسبتاً پراکنده و محلی بود. این مقامات محلی بودند که مشتاق بودند که به روم لطف کنند و به خاطر همه چیزهایی که فراهم کرده بودند، به رم احترام بگذارند و وفاداری و قدردانی کنند. و این همان چیزی است که یوحنا به آن می پردازد، وسوسه برخی از مسیحیان که فکر کنند می توانند با عیسی مسیح بیعت کنند، اما همچنان به امپراتوری که بر تخت نشسته است و همچنین به امپراتوری روم برای همه آنچه که ارائه کرده است، وفادار باشند.

و اغلب به مسئله پرستش و وفاداری و وفاداری انحصاری تبدیل شد. خدای حقیقی چه کسی بود؟ چه کسی واقعاً بر تخت نشسته بود؟ آیا خود خدا بود یا سزار؟ وفاداری خود را به چه کسی می دهند؟ بنابراین، آنچه وحی در درجه اول انجام می دهد این است که مکاشفه چندان پیش بینی آنچه در آینده اتفاق می افتد نیست. این تلاشی برای افشای ماهیت واقعی روم است.

باز هم به یاد داشته باشید که مردم به قرن اول نگاه می کنند، این امپراتوری بزرگ را می بینند که سزار بر تخت سلطنت نشسته است و همچنان در حال رشد و گسترش است و صلح و انواع مزایا و ثروت را به کسانی که تحت حاکمیت آن قرار می گیرند ارائه می دهد. اما کاری که جان می خواهد انجام دهد این است که رنگ های واقعی را آشکار کند. مکاشفه را به عنوان یک آخرالزمان به یاد بیاورید، به این معنی که پرده برداری می کند، پرده پشت تاریخ را کنار می کشد تا به آنها اجازه دهد ماهیت واقعی چیزها را ببینند.

و بنابراین، کاری که مکاشفه انجام می دهد این است که هدف اصلی کتاب یا یکی از اهداف اصلی افشای ماهیت واقعی حکومت روم است. این موجودیت خیرخواه و شگفت انگیزی نیست که به نظر می رسد، بلکه در عوض، ادعاهای روم را افشا می کند. این روم را متکبر و مغرور نشان می دهد.

این روم را به عنوان ظالم فقرا و قاتل قوم خدا نشان می دهد. این امر رم را به عنوان انباشت ثروت و انباشت ثروت، به ویژه به هزینه فقرا نشان می دهد. رم را به عنوان یک جانور تشنه به خون به تصویر می کشد که از مسیحیان و هر دیگری که در برابر آن مقاومت می کند جشن می گیرد.

پس کاری که یحیی سعی می کند انجام دهد همان کاری است که پیامبران عهد عتیق انجام می دهند. و به همین دلیل است که یوحنا اغلب از تصاویر و زبان زیادی از پیامبران عهد عتیق مانند اشعیا و حزقیال و ارمیا استفاده می کند، زیرا آن پیامبران نیز از شهرها و امپراتوری های زمان خود انتقاد می کردند که ضد خدا، خداشناس بودند، که همچنین مغرور و پرمدها و مغرور بودند و به قوم خدا ظلم می کردند و ثروت انباشته می کردند و غیره و غیره. و اکنون یوحنا در قرن اول با وضعیت مشابهی روبرو می شود، با این تفاوت که این بار بابل یا مصر یا شهر دیگری تاریخی نیست.

اکنون شهر رم است. و بنابراین در درجه اول مکاشفه تلاش می کند تا ماهیت واقعی روم را افشا کند تا مسیحیان وسوسه نشوند که تسلیم آن شوند، و به طوری که کسانی که رنج می برند تشویق شوند که استقامت کنند و تحمل کنند، زیرا یوحنا در واقع نشان می دهد که تاریخ به کجا می رود، به کجا ختم می شود. فرجام شناسی وجود دارد و هنوز در آن وجود ندارد.

اما دوباره، به این دلیل است که آنها بتوانند وضعیت قرن اول خود را در نوری جدید ببینند. آنها می توانند روم را همانطور که واقعاً هست ببینند و بنابراین در برابر آن مقاومت کنند و تسلیم امپراتوری نشوند. ما

همچنین گفتیم که نزدیکترین قیاس امروزی که ممکن است با وحی یا یکی از آنها داشته باشیم، کاریکاتور سیاسی است.

من به شما پیشنهاد کردم که در حالی که یک کاریکاتور سیاسی، به رویدادهای واقعی سیاسی یا تاریخی یا چیزهایی که واقعا اتفاق می افتد اشاره دارد، آنها را به صورت علمی یا تحت اللفظی توصیف نمی کند، بلکه آنها را به زبانی بسیار نمادین توصیف می کند. بنابراین، نکته این کارتون این نیست که شما بتوانید به جایی بروید و ببینید که این واقعا اتفاق می افتد. نکته این است که در مورد وضعیت واقعی در قاره آمریکا، در افزایش مضحک قیمت بنزین، چه می گوید.

این به نوعی تفسیری در مورد آن است. این به شما کمک می کند تا آن را در نوری جدید ببینید. نویسنده می توانست فقط یک پاراگراف کوچک به شما بدهد و به شما بگوید که در مورد وضعیت با افزایش قیمت بنزین چه فکر می کند، اما با استفاده از وسیله نقلیه یک کارتون سیاسی، او می تواند احساسات شما را برانگیزد و شما را وادار کند که واکنش نشان دهید و وضعیت را در نوری جدید ببینید.

به یک معنا، مکاشفه یک کارتون سیاسی طولانی است که خوانندگان را وادار می کند تا امپراتوری روم و وضعیت قرن اول آنها را در نوری کاملا جدید ببینند. بنابراین، مکاشفه، مانند یک کاریکاتور سیاسی، از نمادگرایی گرافیکی و گاهی اغراق آمیز استفاده می کند که نباید به معنای واقعی کلمه در نظر گرفته شود، اگرچه به وقایع واقعی اشاره دارد که در روم قرن اول اتفاق می افتد و در آینده رخ خواهد داد، اما آن رویدادها را با زبانی بسیار نمادین توصیف می کند، که اغلب مستقیما از عهد عتیق بیرون می آید. اما بیاید به تعدادی از متون در مکاشفه نگاه کنیم که شاید نحوه عملکرد آن را نشان دهند.

اولین قسمت، اولین بخشی که می خواهیم به آن نگاه کنیم، آفت های مکاشفه است. مکاشفه در واقع حول سه مجموعه هفت آفت می چرخد. شما هفت مهر و سپس هفت شیپور و سپس هفت کاسه دارید.

و به عنوان هر یک از هفت مهر و موم باز شده است، به عنوان هر یک از هفت شیپور دمیده می شود، و به عنوان هر یک از هفت کاسه ریخته می شود، چیزی اتفاق می افتد. و وقتی همه آنها را جمع می کنید، به خصوص شیپورها و کاسه ها، متوجه می شوید که وجه مشترک آنها این است که در شیپورها و کاسه ها آب به خون تبدیل می شود، و افرادی را می بینید که زخم هایی روی بدنشان دارند، تاریکی را می پوشانید، گاهی اوقات یک سوم یا نیم یا بیشتر است، وقتی به کاسه ها می رسید، کل زمین تاریک می شود، ملخ ها را دارید، دوباره آن ملخ های عجیب و غریبی که سرهایی مانند انسان و موهای بلندی مانند ماده و دندان هایی مانند شیر و دم عقرب دارند، با این حال هنوز به وضوح ملخ هستند. شما به قورباغه ها اشاره دارید.

حالا وقتی این را می شنوید، چه چیزی را در ذهن شما تداعی می کند؟ قبلا این چیزها را کجا شنیده اید؟ خروج. بلاهای خروج را به یاد بیاورید که در آن آب به خون تبدیل می شود، مصریان زخم هایی را به وجود می آورند، تاریکی زمین را پوشانده است، طاعون ملخ وجود دارد و طاعون قورباغه از آب بیرون می آید. بنابراین، جان چه کار می کند؟ اساسا، او به سادگی قضاوتی را که توصیف می کند که قرار است اتفاق بیفتد، الگوبرداری می کند، او آن را بر اساس خروج الگوبرداری می کند.

گوی یوحنا می خواهد به همین ترتیب بگوید که خدا امپراتوری شیطانی مصر را داوری کرد، بنابراین او روم را نیز قضاوت خواهد کرد. من تعجب می کنم که آیا این بلاها، اگر بسیاری از این بلاها در مکاشفه قرار نیست حمله ای به روم امپراتوری باشد. دوباره، فقط برای نشان دادن اینکه به همین ترتیب، خدا در گذشته یک امپراتوری شریر را قضاوت کرد، در خروج، بنابراین خدا امپراتوری هایی را که در برابر خدا مقاومت می کنند و به قومش ظلم می کنند و با تکبر خود را بر خدا قرار می دهند، قضاوت خواهد کرد.

خدا آنها را نیز به همان روشی که در خروج قضاوت کرد، قضاوت خواهد کرد. حالا، من نمی دانم، دوباره، من فکر می کنم که این آفت ها باید به صورت نمادین درک شوند. مشکل این است که من مطمئن نیستم که آنها نماد چه چیزی هستند.

آیا آنها نماد وقایع فیزیکی واقعی هستند؟ یا آنها بیشتر آفت های روحانی هستند؟ یا ترکیبی از این دو، شاید بهترین گزینه باشد؟ اما دوباره، به نظر نمی رسد که جان علاقه ای به این باشد که دقیقاً به شما بگوید که اوضاع چگونه خواهد بود. او بیشتر به این علاقه دارد که شما خروج را به یاد بیاورید. نکته اصلی بلاها، مهرها، شیپورها و کاسه ها برای شما این نیست که دقیقاً بفهمید خدا چگونه قضاوت خواهد کرد.

نکته اصلی این است که شما به یاد خواهید آورد که همانطور که خدا در روز خروج داوری کرد، روم را نیز داوری خواهد کرد. و دوباره، نویسنده این کار را بارها و بارها انجام می دهد. او به عهد عتیق متوسل می شود تا نشان دهد که به همان روشی که خدا در عهد عتیق با قومش کار می کرد و به همان روشی که امپراتوری های شیطانی را در عهد عتیق داوری می کرد، اکنون او در شرف داوری امپراتوری شیطانی دیگری است و آن امپراتوری روم است.

بنابراین دوباره، آفت ها بر اساس خروج ساخته شده اند یا از آن الگوبرداری شده اند، و نکته این نیست که بفهمیم آنها به چه چیزی اشاره می کنند. نکته اصلی این است که نشان دهیم خدا به همان روشی که در خروج قضاوت کرده است، قضاوت خواهد کرد. بخش قابل توجه دیگر مکاشفه اعداد و ارقام است.

من می خواهم به خاطر زمان از چند بخش در یادداشت های شما صرف نظر کنم، اما اجازه دهید به طور خلاصه در مورد اعداد بگویم. من یک سری اعداد را در یادداشت های شما به شما داده ام، و قصد ندارم در مورد همه آنها به صورت جداگانه صحبت کنم، اما عدد سه سال و نیم، عدد 666، عدد 12، عدد 1000، عدد 10، عدد 4، عدد 7. همه این اعداد در مکاشفه قابل توجه هستند، اما دوباره، به نظر من، همه آنها باید به صورت نمادین درک شوند. اهمیت اصلی اعداد ارزش ریاضی آنها نیست، بلکه اهمیت اصلی ارزش نمادین آنها است.

بنابراین، برای مثال، یک مورد بسیار آسان این است که چرا جان باید هفت بلا داشته باشد؟ همانطور که گفتیم، اسلایدی وجود دارد که قبلاً نشان دادم. هفت مهر، هفت شیپور و هفت گاو نر وجود دارد. چرا عدد هفت؟ آیا به این دلیل است که اگر با ماشین حساب آنجا بنشینید، می توانید هفت آفت دقیق را بشمارید؟ یا چرا او از عدد هفت استفاده می کند؟ زمین در هفت روز آفریده شد، که شما دقیقاً در مورد آن درست می گویند، در این ایده الگوبرداری شده بود که عدد هفت نشان دهنده کامل بودن یا کمال است، که احتمالاً در هفت روز خلقت منعکس شده است.

بنابراین، با شروع هفت روز خلقت، عدد هفت معنای نمادین کمال یا کامل بودن پیدا می کند. بنابراین، وقتی در مورد هفت بلا یا هفت مهر می خوانید، نکته این نیست که هفت بلا واقعی وجود داشته باشند که به دنبال یکدیگر باشند. اما نکته این است که هفت به معنای تکمیل یا کمال، تعداد کامل داوری ها یا داوری کامل و کامل خدا بر قومش است.

عدد 12 احتمالاً به 12 قبیله اسرائیل برمی گردد. هر جا که 12 یا مضرب آن را در مکاشفه ببینید، مانند 144، 12 ضربدر 12، اهمیت آن 12 به 12 قبیله اسرائیل و 12 رسول برمی گردد. ۱۲ نمادی از قوم خدا است.

666. من همیشه داستان را می گویم وقتی ... نمی دانم کسی به Soul Fest می رود یا خیر. برخی از شما در Soul Fest در نیوهمپشایر بوده اید.

و اگر نه، من شما را تشویق می کنم که به آنجا بروید. و اینجا در اطراف گوردون تبلیغ می شود. اما زمانی که من در مینه سوتا زندگی می کردم چیزی مشابه به نام Spirit Fest داشتیم.

این همان نوع چیز بود، یک جشنواره هنری گروه مسیحی. و ما باید یک برجسب کوچک در آغوش خود داشته باشیم. و من آن روز برجسب خود را در صف گرفتم.

و سه عدد آخر روی برجسب من 666 بود. و البته، من آن را نگه داشتم و آن را پوشیدم. من قصد نداشتم آن را در بیاورم.

اما برخی از مردم تعجب کردند که من این کار را انجام دهم. اما شاید آنها هرگز چنین سوالی نپرسیدند، من تعجب می کنم که آیا این فقط به این دلیل است که شخص قبل از من 665 و شخص بعد از من 667 را دریافت کرده است. بنابراین، این فقط یک چیز تصادفی بود.

اما اغلب ما آن عدد 666 را می گیریم و از آن اعداد واقعی یک معامله بزرگ می کنیم. اما، دوباره، وقتی به آن فکر می کنید، راه های مختلفی برای در نظر گرفتن 666 وجود دارد. 666 مربوط به یک عدد کوتاه از عدد 7، 777 است.

عدد 666 احتمالاً به نام نرون نیز اشاره داشت که چندین سال قبل از نوشتن مکاشفه امپراتور روم بود و به عنوان یک امپراتور بسیار وحشتناک در نحوه برخورد با مسیحیان شناخته می شد. بنابراین شاید او آنها را می خواست و شاید جان نیز می خواست که آنها نرون و نحوه رفتار او با مردم را به یاد بیاورند. و این روح واقعی است و این رنگ واقعی حکومت روم است.

بنابراین، نکته 666 این نیست که آن اعداد تحت اللفظی را در بارکد یا کارت های اعتباری یا در پلاک ها یا شماره تلفن ها پیدا کنیم. نکته این نیست. معمولاً این فقط تصادفی است.

آنچه در مورد این عدد قابل توجه است چیزی است که نماد آن است. این نماد مخالفت شیطانی با قوم خدا است. این نماد برای خوانندگان قرن اول نماد روم در تقابل با خدا و قومش بود.

و آن چیزی که نشان دهنده نمایش پرمدها و متکبرانه قدرت انسان در قرن اول بود. و 666 نشان می دهد که. احتمالاً، دوباره، همانطور که در نرون تجسم یافته است.

بنابراین، به نظر من، تمام اعداد در مکاشفه نباید جمع شوند یا محاسبه شوند تا تاریخ، زمان یا اعداد خاص به دست بیایند. در عوض، آنها به دلیل ارزش نمادین آنها مهم هستند. متن دیگر، مکاشفه ۱۲-۱۳.

مکاشفه 12-13 داستان اژدهایی است که سعی می کند فرزندی را که در شرف تولد است ببلعد، اما موفق نمی شود. و سپس اژدها می رود و دو دوست را برای کمک به او صدا می زند. دو جانور.

یک جانور از خشکی، یک جانور از دریا، و یک جانور از خشکی. وظیفه اصلی آنها این است که جهان را اغوا کنند تا آنها را پرستش کنند و همچنین به هر کسی که امتناع می کند ظلم کنند، به ویژه مسیحیانی که از کلام خدا اطاعت می کنند و شهادت عیسی مسیح را حفظ می کنند. حالا، دوباره، فقط با فکر کردن به قرن اول، اژدها، در فصل 12، اژدها به راحتی می توان فهمید که به چه کسی اشاره می کند، زیرا جان بیرون می آید و به ما می گوید.

این مار قدیمی است. این شیطان از پیدایش فصل های 1، 2 و 3 است. بنابراین یوحنا به ما می گوید که اژدها کیست. اما پس از آن اژدها می رود و دو گروه، دو جانور، یک جانور از دریا و یک جانور از خشکی را برای کمک به او فرا می خواند.

و دوباره، کار این دو جانور اساسا این است که همه را وادار کنند که آنها را پرستش کنند و اژدها را پرستش کنند و هر کسی را که از اطاعت امتناع می کند مورد آزار و اذیت قرار دهند. حالا، با فکر کردن به اولین خوانندگان، آنها به احتمال زیاد این جانوران را با چه کسی شناسایی می کردند؟ حدس شما چیست؟ با توجه به این وضعیت، جان در حال رسیدگی است. اگر شما یک مسیحی قرن اول هستید که در امپراتوری روم زندگی می کنید و این فصل را می خوانید و داستان این جانوران را می خوانید که می خواهند قوم خدا را به دست آورند و سعی می کنند خود را به عنوان حاکم بر تمام زمین قرار دهند و پرستش را تحمیل کنند، آنها را با چه کسی شناسایی می کنید؟ احتمالا امپراتوری روم و امپراتور روم.

و من متقاعد شده ام که وقتی خوانندگان جان برای اولین بار آن را خواندند، این همان کسی بود که با او همذات پنداری می کردند. بنابراین، دوباره، آیا می بینید که جان چه می کند؟ او طبیعت رم را افشا می کند. هنگامی که آنها به طور تجربی به صحنه تاریخ نگاه می کنند، این امپراتوری بزرگ را می بینند که در حال رشد و افزایش است و صلح و ثروت و منافع را به هر کسی ارائه می دهد و از هر کسی که تسلیم آن می شود محافظت می کند.

پر زرق و برق و جذاب است. با این حال، یوحنا در این نقد آخرالزمانی از روم، آنها را افشا می کند که واقعا چه کسانی هستند. او به مسیحیان می گوید، در پشت آن نما، رم در واقع یک جانور وحشتناک و تشنه به خون است که در واقع در خدمت اژدها، شیطان، که شخص واقعی پشت تلاش برای حمله به مسیحیان است، است.

بنابراین آنچه یحیی در فصل های 12 و 13 سعی می کند انجام دهد این است که به آنها نشان دهد، و این مهم است، تا ماهیت واقعی درگیری خود را به مسیحیان نشان دهد. باز هم، مبارزه واقعی آنها فقط با روم نیست، بلکه در نهایت اژدها، شیطان، پشت این تلاش ها برای نابودی قوم خدا نهفته است. همانطور که فشار افزایش می یابد و اوضاع در رابطه آنها با روم داغ می شود، آنها می توانند درک کنند که نیروی واقعی پشت وسوسه سازش یا هر گونه آزار و اذیت، نیروی واقعی پشت آن خود اژدها است، آن مار قدیمی از پیدایش، که برای گرفتن قوم خدا تلاش می کند.

بنابراین، این به معنای کمک به مسیحیان است تا وضعیت خود را درک کنند و با آن کنار بیایند، تا آنها را وادار کند تا ماهیت واقعی مبارزه خود را ببینند. این پیام اصلی مکاشفه 12 و 13 است، این است که به مسیحیان نشان دهید، این ماهیت واقعی چیزی است که با آن روبرو هستید. در حالی که با آزار و اذیت یا وسوسه سازش روبرو هستید، بگذارید پرده را بردارم و در پشت صحنه تاریخ ماهیت واقعی مبارزه را به شما نشان دهم.

این... فصل های 12 و 13 به نوعی تصویری نمادین از آنچه پولس در افسسیان گفت، هستند. نبرد شما با گوشت و خون نیست، بلکه برای مکاشفه با امپراتور روم و مقامات رومی است، بلکه در عوض، با حاکمان و مقامات در قلمروهای آسمانی است. و این همان کاری است که جان سعی می کند انجام دهد، تا ماهیت واقعی درگیری آنها و ماهیت واقعی حکومت امپراتوری روم را افشا کند.

حالا، برای انجام این کار، جان کار بسیار جالبی انجام می دهد. اگر کتاب پیدایش را به یاد بیاورید، به یاد بیاورید که در کتاب پیدایش پس از گناه آدم و حوا به یاد بیاورید، خدا هر دو موضوع را نفرین می کند،

نفرین بر بشریت، اما بر خود شیطان. و به یاد داشته باشید که او به شیطان می گوید که از خاک زمین می خوری و روی شکم خود روی زمین می خزی.

و او همچنین به او می گوید که تو با زن در تضاد خواهی بود و کبود خواهی شد... او می گوید که شما و آن زن در تضاد خواهید بود، ذریت شما و ذریت او، یعنی مار، فرزندان شیطان، و فرزندان زن در درگیری خواهند بود. و سپس او می گوید، شیطان، ذریت شما، پاشنه او را کبود خواهد کرد، اما بذر زن سر شما را خرد می کند و در واقع شما را نابود می کند. این همه در پیدایش فصل 3 است. حال، توجه کنید که وقتی به پیدایش 12 و 13 می رسید چه اتفاقی می افتد.

اول از همه، یوحنا مار را در فصل شناسایی می کند... یوحنا شیطان را به عنوان مار در فصل های 12، 3 و 9 معرفی می کند. و حتی او را مار قدیم می نامد. یعنی این شیطان است، ماری که آدم و حوا را اغوا و وسوسه کرد تا گناه کنند. حالا، یوحنا می گوید اژدها در مکاشفه 12 چیزی کمتر از همان مار نیست که دوباره سر زشت خود را بالا می برد.

زن و بذر. توجه کنید که چند بار در مکاشفه، اینها ارجاعات به مکاشفه در پرانتز هستند. توجه کنید که چند بار در مکاشفه فصل 12 به آن زن و فرزندان اشاره شده است.

قوم خدا به عنوان یک زن و فرزندان به تصویر کشیده شده اند، که باز هم به پیدایش فصل 3، آیه های 14 تا 16 برمی گردد. این واقعیت که بخشی از نفرین در پیدایش 3، اگر به یاد داشته باشید، این بود که زن در هنگام زایمان درد داشت. در اینجا، در مکاشفه فصل 3، زنی که نماد قوم خدا است، به تصویر کشیده می شود که درد زایمان دارد یا در آستانه زایمان درد دارد.

او پسری به دنیا می آورد که به وضوح اشاره ای به عیسی مسیح است. او سر مار را خرد خواهد کرد. جالب اینجاست که باز هم به یاد داشته باشید که بخشی از وعده در پیدایش 3 این است که فرزندان زن سر مار را له می کنند.

در مکاشفه فصل ۱۳، یکی از جانوران به گونه ای ظاهر می شود که گویی سرش له شده یا کشته شده است. متأسفم، حدس می زنم همین. مورد دیگر اشاره به یک پسر است.

عیسی مسیح زنی است که در فصل 12 پسری به دنیا می آورد، اولین فرزندان، که به وضوح اشاره ای به مسیح است. اما آیا می بینید چه خبر است؟ همه این اشارات، به من، نشان می دهد که یوحنا پیدایش فصل 3 و اشاره به نفرین را در ذهن داشته است، جایی که دوباره، خدا به مار گفت که شما و آن زن بین شما در درگیری و دشمنی خواهید بود و دشمنی بین ذریت یا فرزندان شما و فرزندان او وجود خواهد داشت و فرزندان او سر شما را خرد خواهند کرد. حتی اگر پاشنه فرزندان او را کبود کنید، فرزندان او در واقع سر شما را خرد می کنند و او درد و زایمان خواهد داشت.

همه این عناصر در فصل های 12 و 13 مکاشفه آمده اند. پس جان چه کار می کند؟ اساساً، او به خوانندگان می گوید، نگاه کنید، در حالی که با حکومت روم مبارزه می کنید، با چه چیزی روبرو می شوید، آنچه در واقع از سر می گذرانید چیزی کمتر از این درگیری قدیمی نیست که به فصل 3 پیدایش برمی گردد. بنابراین، دوباره، شما نباید از آن تعجب کنید، یا نباید شوکه شوید، و اکنون آنها می توانند آن را در نور جدیدی ببینند. چیزی که آنها در تلاش برای مقابله با روم امپراتوری با آن روبرو هستند، فقط فصل 3 پیدایش است که دوباره ظاهر می شود.

این فقط بخشی از آن درگیری قدیمی است که به خلقت برمی گردد و اکنون در درگیری مسیحیان با روم دوباره ظاهر می شود. بنابراین، این فقط یک راه دیگر برای کمک به مسیحیان است تا درگیری خود را با روم در نوری جدید ببینند، به آنها کمک کنیم تا با آن کنار بیایند، در برابر روم مقاومت کنند، شهادت خود را به عیسی مسیح حفظ کنند، ماهیت واقعی درگیری را درک کنند. این فقط بخشی از درگیری قدیمی است که به ابتدای خلقت برمی گردد.

بنابراین، من فکر می کنم یحیی عمدا پیدایش فصل 3، آیات 14 تا 16 را در ذهن داشته است، زیرا او این رویا را می بیند، و اکنون که آن را می نویسد و می نویسد تا به خوانندگان کمک کند تا با روم امپراتوری کنار بیایند. بخش دیگری که می خواهیم به طور خلاصه به آن نگاه کنیم، دو فصل آخر مکاشفه است، فصل های 21 و 22، جایی که نویسنده عروس یا اورشلیم جدید را که در عهد عتیق رایج بود، مقایسه و مقایسه می کند. اغلب اورشلیم و مردمش با عروس خدا مقایسه می شدند.

اکنون یحیی دوباره از این تصویر استفاده می کند و به اورشلیم جدید اشاره می کند. بنابراین عروس، اورشلیم جدید، با بابل در تضاد است. و دوباره، یوحنا از تصاویر درست از عهد عتیق استفاده می کند.

یک بار دیگر، بایستید و با من فکر کنید. اگر شما یک خواننده قرن اول هستید که مکاشفه را می خوانید، می خواهید بابل را با چه چیزی شناسایی کنید؟ بابل یک شهر تاریخی در عهد عتیق بود، شهری که قوم خدا را اسیر کرد. شما می توانید در مورد آن در کتاب دانیال بخوانید، به نوعی تا نگرش دانیال و سایر پیامبران نسبت به بابل.

اما دوباره، اگر شما یک خواننده قرن اول هستید که کتاب را می شنوید یا مکاشفه را می خوانید، به احتمال زیاد می خواهید بابل را با چه چیزی شناسایی کنید؟ احتمالاً رم. و دوباره، آیا می بینید که جان چه می کند؟ او می گوید که به همان روشی که خدا در گذشته امپراتوری های شیطانی مانند بابل، مصر و غیره را قضاوت می کرد، خدا روم را نیز قضاوت خواهد کرد. و در واقع او این کار را کرد.

حدود 300 سال پس از نگارش این کتاب، خدا روم را به پایان رساند. اما نکته این است که اگر آنها نباشند... اگر قرار است رم نابود شود و جان نمی خواهد خوانندگان بخشی از آن را داشته باشند، نه به این معنی که نمی توانند از نظر فیزیکی در آن زندگی کنند، بلکه اگر او نمی خواهد آنها غرور خود را بخرند، طرز تفکر ضد خدایی خود، پس آنها باید شهری داشته باشند، آنها باید جایی برای تعلق به آن داشته باشند. اگر قرار است آنها بخشی از بابل نباشند، باید جایی برای رفتن داشته باشند.

و بنابراین، کتاب با عروس، اورشلیم جدید و کسانی که وفادار هستند به پایان می رسد. برای خوانندگان یوحنا، و من می گویم مسیحیان امروزی، که صادقانه در برابر وسوسه تسلیم شدن در برابر حکومت امپراتوری روم و تمام برکات آن، تکبر، غرور، نمایش پرمدعا قدرت حاکمیت خود مقاومت می کنند، اگر از آن دست بکشند و امتناع کنند و مقاومت کنند، آنگاه یوحنا می گوید، شما جایی برای رفتن دارید و کسی را دارید که به او تعلق داشته باشید، و آن عروس است، اورشلیم جدید. حالا بگذارید فقط چند چیز در مورد این متن بگویم.

ای کاش زمان بیشتری برای صحبت در مورد آن داشتم، اما اجازه دهید بر دو چیز تأکید کنم. شماره یک، تصاویر اورشلیم جدید در فصل های 21 و 22، فکر می کنم نمادی از خود مردم است. به عبارت دیگر، من فکر نمی کنم که یوحنا به طور خاص یک شهر واقعی را توصیف کند، نه اینکه در خلقت جدید یکی یا چند شهر وجود نخواهد داشت، بلکه در درجه اول چیزی است که یحیی توصیف می کند، وقتی اورشلیم جدید را توصیف می کند، خود مردم را توصیف می کند، قوم کامل شده خدا در خلقت جدید.

این بسیار مهم است. یوحنا یک شهر واقعی را توصیف نمی کند. در واقع، من دیده ام که برخی از مردم سعی می کنند آن را طوری ترسیم کنند که انگار جان به شما یک تصویر معماری از آنچه قرار است به نظر برسد یا نقشه هایی را به شما می دهد.

این کاری نیست که او انجام می دهد. جان یک شهر واقعی را توصیف نمی کند. باز هم، او خود مردم را توصیف می کند.

و وقتی فصل های 21 و 22 را می خوانید، تمام اندازه گیری های شهر، توجه کنید که همه آنها مضرب 12 هستند، تعداد قوم خدا. بنابراین، آنچه اورشلیم جدید نماد آن است، قوم کامل خدا در خلقت جدید، در حضور خداست. دومین نکته مهم در مورد چشم انداز اورشلیم جدید این است که سرنوشت نهایی ما را به عنوان یک سرنوشت بسیار فیزیکی زمینی به تصویر می کشد.

دوباره، ما قبلا در این مورد صحبت کرده ایم، اما سرنوشت نهایی قوم خدا، وجود بی جسم از نوع گنوسی نیست. مکاشفه قوم خدا را بر روی زمینی جدید فرود می آورد. به یک معنا، آسمان و زمین در مکاشفه 21 و 22 یکی می شوند.

و قوم خدا بقیه ابدیت خود را در وجودشان در خلقت جدید زندگی می کنند. در یک خلقت جدید، نه شناور در ابرها. با ردای سفید و چیزهایی از این قبیل.

اما در عوض، آنها ابدیت خود را در یک وجود بسیار زمینی و فیزیکی زندگی می کنند. زیرا خدا ما را برای این آفریده است. و هر چقدر هم که با این زمین متفاوت باشد، مطمئنا از بسیاری جهات مشابه خواهد بود.

هم تداوم و هم ناپیوستگی وجود دارد. اما دوباره، این چیزی است که خدا ما را برای آن آفریده است. و شما در مورد آن فکر کنید، برای من، این آینده ای است، این امیدی است که ارزش فداکاری برای آن را دارد.

به آنچه در مورد این خلقت، این زمین و زندگی خود دوست دارید فکر کنید. به این فکر کنید که از تمام تأثیرات گناه، تمام غم و اندوه، و همه بیماری، و همه ناامیدی، و تمام دردها و تمام جنگ ها محروم می شود. هر چیزی که این زندگی را بدبخت می کند و این زندگی را آزار می دهد، در میان همه چیزهای خوب و زیبایی، کاملا از بین خواهد رفت.

و برای من، این ارزش دارد که بابل را در زمان حال برای چیزی در آینده قربانی کنیم. نمی دانم که واقعا ارزش قربانی کردن آن را دارد اگر تنها کاری که می خواهم انجام دهم این است که به عنوان یک روح بی جسم شناور باشم. اما این واقعیت که خدا می خواهد همه چیز را از نو خلق کند، و سرنوشتی که او برای قوم خدا در نظر گرفته است، سرنوشتی بسیار فیزیکی و زمینی است، برای من ارزش فداکاری در زمان حال را دارد.

زیرا این هدف مورد نظر است. از پیدایش فصل های 1 و 2، از زمان گناه بشریت، قصد اصلی خدا بازگرداندن بشریت برای زندگی بر روی زمین با زندگی خدا در میان آنها بوده است. و این دقیقا همان چیزی است که در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ می یابید.

حتی از تصاویر باغ عدن نیز استفاده می کند. فصل 22 را بخوانید. پنج آیه اول، به باغ عدن اشاره دارد.

درخت زندگی با اشاره به رودخانه زندگی، که پیدایش فصل های 1 و 2 را در توصیف باغ منعکس می کند. یک چیز آخر. پیام مکاشفه.

مکاشفه چیزی فراتر از آخر زمان و معاد شناسی است. در عوض، مکاشفه فراخوانی برای قوم خدا برای پرستش خدا و بره بدون توجه به هزینه است. این فراخوانی است، برای مسیحیان قرن اول، فراخوانی برای افشای رم برای آنچه واقعا بود، برای مقاومت در برابر روم.

برای ما، این فراخوانی برای افشای امپراتوری و مقاومت در برابر آن است. همان ضد خدا، پرمدها و متکبر، متکبر و لاف زدن در حکومت حاکمیتی خود، همان چیزی که در روم وجود داشت، خدا ما را به مقاومت در برابر آن فرا می خواند که امروز در هر کجا که باشد، از جمله در ایالات متحده آمریکا. اما مکاشفه فراخوانی برای پرستش خدا و بره است و هیچ چیز یا شی انسانی دیگری، مهم نیست که چه قیمتی داشته باشد.

اما دوم، مکاشفه نیز فراخوانی برای تحمل است. خدا مردم رنج کشیده خود را تبرئه خواهد کرد. خوب.

این تمام چیزی است که می خواهم در مورد مکاشفه بگویم. آیا سوالی دارید، به سرعت، قبل از اینکه به سمت آفرینش جدید کلرادو بروم؟ شوخی کردم. Yep.

آیا قرار است یک جلسه بررسی برای فینال برگزار شود؟ من روی آن کار می کنم. من نمی توانم این را به شما قول دهم، اما سعی می کنم یک جلسه بررسی برای فینال داشته باشم. امیدوارم تا دوشنبه بدانید.

اگر چنین است، احتمالا چهارشنبه یا پنجشنبه آینده خواهد بود. باز هم نمی خواهم به شما قول دهم. من روی آن کار می کنم.

هفته آینده بعد از امتحان شما یک راهنمای مطالعه وجود خواهد داشت. من یک راهنمای مطالعه برای شما دریافت می کنم تا برای فینال به آن نگاه کنید. اگر آزمون قدیمی را دریافت نکردید، می توانید به من ایمیل بزنید.

من تمام هفته آینده در دفترم نخواهم بود، اما اگر به من ایمیل بزنید، خوشحال می شوم که نسخه هایی از امتحانات قدیمی را پیوست کنم. همچنین مطمئن شوید که وقتی روز دوشنبه در امتحان شماره چهار شرکت می کنید، می توانید نسخه را برای مطالعه برای فینال نگه دارید. ممنون.

این دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۳۵، کتاب مکاشفه است.